

درگیری درونی طالبان سی نفر را به کام مرگ فروبرد

عبدالرحمن فهیمی



برای دولت است. این اختلاف ها به حدی است که رهبری همدیگر را نپذیرفته و همان طور که در برابر سران دولت شلیک می کنند، بر همدیگر نیز شلیک می کنند. از این رهگذر، وظیفه و مسوولیت دولت به ویژه سازمان اطلاعات و برخی چهره ها و نیروهای که در عرصه های مربوط به امنیت فعالیت دارند، است که بر آتش های روشن شده در میان گروه طالبان هیزم های بیشتر بیاندازند و حتی اگر می توانند نفت بریزند. به هر بیمانه که این گروه بین هم درگیر شوند و بزنند و بکوبند، منجر به تضعیف جمعی می شود. در این صورت، تجهیزات و نیروهای جنگی را که پیش از این در برابر دولت استفاده می کردند، در برابر همدیگر استفاده کرده و به سر و کله همدیگر می زنند. برخی از نیروها و چهره های سیاسی حکومتی به عوض این که در راستای ایجاد شکاف میان نیروهای سیاسی موجود در زیر چتر نظام سیاسی تلاش می کنند، بهتر است که زمان و بودجه دولت را در راستای ایجاد شکاف میان گروه های تهدید کننده و دشمنان مردم و کشور مصرف کنند.

جهت خروج بریتانیا شروع کرده باشد. به همین منوال، سازمان های تروریستی و گروه های مسلحانه خطرناک و تهدید آفرین که امنیت ملی دولت ها و کشورها را تهدید می کنند، در صورت که دچار اختلاف های درونی شوند، به نفع است. در این صورت، دولت های مربوط و مورد تهدید، بایستی اختلاف ها را پررنگ کرده و به اصطلاح آتش روشن شده را شعله ور تر نمایند. حتی در برخی موارد، دولت های که از دستگاه اطلاعاتی قدرت مند و توانمند برخوردار هستند، آتش افروزی می کنند. یعنی اگر اختلاف، شکاف و فاصله میان گروه ها و سازمان های تهدید کننده وجود ندارد یا برجسته نشده است، پدید می آورد و برجسته می کند. به نظر می رسد که اختلاف های درونی و میان گروهی طالبان فرصت استراتژیک

نماید و با همکاری و تلاش مشترک دو یا سه کشور منطقه ای منافع ملی یک کشور یا دو سه کشور دیگر را تهدید می کند، در صورت که دچار اختلاف های درونی شده و مصروف رقابت ها و نبردهای گروهی شوند، وضعیت به نفع کشورهای رقیب بوده و آن ها تا حد که قادر هستند، شاکف ها و فاصله ها را پررنگ می کنند. مثلا در اروپا مطرح است، تحلیل بر این است که شرایط کنونی، در حال که بحث همه پرسی در بریتانیا و خروج این کشور از اتحادیه اروپا مطرح است، تحلیل بر این است که روسیه خروج بریتانیا را به نفع خود دیده و از این که در نبود بریتانیا اتحادیه اروپایی ضعیف تری را در مقابل خویش می بیند، دل خوش کرده است. در این صورت با این که این کشور خاموشی سیاسی اختیار کرده و در مورد ابراز نظر نمی کند، اما ممکن است در میدان عمل تلاش های را

تحت نفوذ شان صورت خواهد گرفت. اکنون با توجه به این وضعیت، پرسش که مطرح می گردد این است که موقف و موضع دولت چه باید باشد؟ دولت چه فرصت هایی را در اختیار دارد؟ و آیا نبردهای درون گروهی گروه طالبان به نفع خواهد بود؟

نبرد درون گروهی فرصت برای تضعیف به نظر می رسد که در این جا و در این عرصه توصیه سیاسی جناب «چرچیل» نخست وزیر وقت بریتانیا کبیر که برای سفیران و ماموران نفوذی دولتانش مطرح می کرد، کاربرد خوبی خواهد داشت؛ «تفرقه بینداز و حکومت کن». اگر در عرصه سیاست بین الملل، اتحاد، همسویی و همکاری مجموعه از کشورها تبدیل به یک قدرت شکست ناپذیر شده و منافع یک و یک کشور دیگر را با تهدید مواجه می

پس از فاش شدن مرگ «ملا محمد عمر» ملای بزرگ گروه طالبان که همه طالبان به عنوان رهبر معنوی و چهره «کارزماتیک» به او حرمت نهاده و از هادایت ها و دستورهایش پیروی و اطاعت می کردند، اختلاف های درونی پیدا شده و علی رغم تلاش ها نتوانستند از آفتابی شدن جلوگیری کنند. اختلاف ها بر سر این بوده است که «چه کسی شایسته جانشینی بوده و می تواند مسوولیت های ملای بزرگ را به خوبی انجام دهد و پیش برده». هر یکی از ملاها و فرماندهان نظامی یا خود یا فرد مورد نظر شان را شایسته جانشینی می دانستند. از این رو، بر سر جانشینی ملا اختر محمد منصور «مقتول»، توافق نظر به وجود نیامده و عملا گروه طالبان به چند دسته تقسیم گردید. یکی از این دسته ها، گروه به رهبری ملا رسول است که رسما با نیروهای جنگی تحت امر ملا اختر محمد منصور در ولایت ها و مکان های مختلف درگیر شد و در صحبت های بیابانه های که از آدرس این، ناشر شد، حرف و حدیث های را نیز در برابر همدیگر رد و بدل کردند. در تازه ترین مورد، گزارش ها حکایت گر آن است که میان نیروهای جنگی ملا عین الله نیازی سخنگوی گروه طالبان شاخه ملا رسول و نیروهای جنگی ملا هبت الله درگیری سنگین و خونین در ولایت هرات صورت گرفته است. گرچه که آمارها متفاوت است و گزارش های متعدد به نشر می رسد، اما بنا بر گفته سخنگوی مقام ولایت هرات، دست کم، این نبرد، سی نفر از نیروهای جنگی دو طرف را به کام مرگ فرو برده است. این نخستین درگیری و نبرد درونی میان حلقه ها و جریان های گروه طالبان نیست و آخرین درگیری نیز نخواهد بود. با توجه به دسته ها و گرایش های که وجود دارد و با توجه به سخن های که تحویل همدیگر می دهند، می شود پیش بینی کرد که در آینده نیز درگیری های خونین و پر تلفات در ولایت ها و مناطق

سرمقاله

افغانستان و سازمان همکاری شانگهای

سازمان همکاری شانگهای سازمانی میان دولتی است که برای همکاری های چندجانبه امنیتی اقتصادی و فرهنگی تشکیل شده است. اهداف این سازمان عبارت است از تقویت همکاری با محور های سیاسی، اقتصادی، تجاری و نظامی، ضدیت با فعالیت های غیر قانونی، مبارزه مشترک با تروریسم و بر ضد جدایی طلبی و مهاجرت های غیر قانونی. احترام به اصل حاکمیت مشتمل بر دفاع از اصل حاکمیت بر اساس منشور ملل متحد. احترام به قرار داد موشک ضد بالستیک و امنیت منطقه ای.

فعالیت های سازمان همکاری شانگهای را در سه دسته می توان دسته بندی کرد. فعالیت های امنیتی، اقتصادی و فرهنگی. مسایل امنیتی در آسیای میانه به ویژه تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری عموما دغدغه اصلی این سازمان محسوب می شود. «ساختار منطقه ای ضد تروریسم» سازمان همکاری شانگهای در نشست جون ۲۰۰۴ در شهر تاشکند در ازبکستان تهیه و تصویب شد.

این سازمان در سال ۲۰۰۶ اعلام کرد که بر اساس مفاد توافقنامه منطقه ای با قاجاق مواد مخدر در طول مرزهای کشورهای عضو مبارزه خواهد کرد. اما وی اذعان کرد که برای مقابله با تهدیدهای روزافزون تروریسم، جدایی طلبی و افراطی گری ممکن است نیاز به استفاده از نیروهای ارتش کشورهای عضو وجود آید. در همین راستا کشورهای عضو چندین مانور مشترک نظامی به اجرا گذاشته اند.

برای افغانستان این سازمان از چند جهت می تواند مهم و قابل توجه باشد.

اول اینکه افغانستان تازه در مسیر توسعه گام برداشته و نیازمند کمک کشورهای دیگر در بخش های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی است و در چهارچوب این سازمان می تواند روابط خود را با کشورهای عضو حسنه ساخته و کمک های سیاسی، اقتصادی، امنیتی و فرهنگی آنها را برای بازسازی افغانستان دریافت نماید.

دوم اینکه افغانستان یکی از کشورهای است که بیشتر میزان مواد مخدر در آن تولید شده و از آنجا به کشورهای دیگر قاچاق می شود که در برای از بین بردن کشتت مواد مخدر و قاچاق آن می تواند از همکاری سازمان استفاده کرده و به این مهم دست یابد.

زیرا سازمان در سال ۲۰۰۵ گروه مبارزه با مواد مخدر ایجاد نمودند تا کشت مواد مخدر و قاچاق آن را در منطقه از بین ببرد. سوم اینکه افغانستان کشوری بوده است که بیش از دیگر کشورها از تروریسم و بنیادگرایی آسیب دیده است. در حقیقت می توان گفت که مرکز و میدان جنگ تروریست ها در افغانستان بوده است.

افغانستان با جلب کمک های کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای می تواند پدیده تروریسم و بنیاد گرایی را از افغانستان برچیند. چون یکی از اهداف اساسی سازمان مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی در منطقه می باشد.

همسایه های افغانستان، ایران و پاکستان، روسیه، چین و تاجیکستان در چارچوب این سازمان می تواند همکاری های اقتصادی، سیاسی، امنیتی و فرهنگی خود را با افغانستان گسترش داده و منافع مشترک برای خود تعریف نماید تا در پرتو آن منافع مشترک بتواند بر مسائل امنیتی فائق آید. تعریف منافع مشترک میان افغانستان و کشورهای همسایه باعث می شود روابط خارجی کشور را همگرایایی بیشتر داشته باشد و بتواند بهتر با تهدید های مشترک مبارزه نماید.

از طرفی وضعیت افغانستان بعد از خروج نیروهای بین المللی در سال ۲۰۱۴ برای اعضای سازمان همکاری شانگهای مهم می باشد. تحت بنیاتی و ناامنی در افغانستان بدون شک ثبات و امنیت کشور های منطقه و اعضای سازمان همکاری شانگهای را نیز با تهدید مواجه کرده است. بنابراین وضعیت افغانستان بعد از ۲۰۱۴ برای کشورهای عضو سازمان همکاری شانگهای مهم است. برای این مهم افغانستان می تواند در چهارچوب این سازمان حمایت ها، همکاری ها و کمک های این کشور ها جهت حفظ ثبات و امنیت در افغانستان استفاده نماید.

از آنجایی که روسیه و چین دو عضو اصلی و از ابر قدرت ها در عرصه بین الملل می باشد بنابراین برای افغانستان لازم است توازن در مناسبات و روابط خود میان آمریکا به عنوان بزرگترین حامی افغانستان از یک طرف و چین و روسیه در طرف دیگر برقرار نماید. سازمان همکاری شانگهای یک فرصت جدید برای افغانستان است تا با جلب همکاری های منطقه ای از یک سو امنیت را در کشور بهبود بخشد و از سوی دیگر از ظرفیت های جغرافیایی این کشور برای تقویت همکاری های اقتصادی سود ببرد.

سازمان همکاری شانگهای

دکتر محمود واعظی/قسمت اول



در حال تبدیل شدن از یک سازمان منطقه ای به یک سازمان فرامنطقه ای است. بیانیه هشت صفحه ای رهبران چین و روسیه پیش از برگزاری اجلاس سازمان در آستانه پایتخت قزاقستان در سال ۲۰۰۵ که طی آن کوشش های یکجانبه گرایانه برای مدیریت بحران های بین المللی به شدت مورد انتقاد قرار گرفته بود) و همچنین پذیرش عضویت ناظر ایران، هند و پاکستان و تقاضای خروج نیروهای آمریکایی از آسیای مرکزی، از آغاز احتمالی نقش آفرینی بین المللی سازمان شانگهای در آینده خبر می دهد. این نقش آفرینی در وهله نخست و در آینده قابل پیش بینی مطمئنا ضد آمریکایی نیست هر چند که می تواند غیر آمریکایی باشد.

فرصت ها و چالش های پیش روی سازمان در کنار تهدیدهای مشترکی که به مثابه یک هدف، اعضای سازمان را به هم پیوند می زند، یک فرصت مشترک که در گذشته بیشتر توسط اعضای ضعیف تر سازمان مورد تأکید قرار می گرفت و در حال حاضر تمامی اعضا بر آن تأکید دارند، مسئله همکاری های اقتصادی منطقه ای است. اسلام کریموف، رئیس جمهور ازبکستان، پس از تصویب عضویت کامل این کشور در سازمان در سال ۲۰۰۱ تأکید کرد که من امضای خود را پای عقیده ذکر شده در بیانیه سازمان همکاری شانگهای یعنی «همکاری، همکاری، همکاری» گذاشته ام. این سازمان نباید هرگز به یک سازمان سیاسی و نظامی تبدیل شود و نباید علیه هیچ کشوری باشد.

مورد این است که از پنج عضو اولیه سازمان چهار عضو، یعنی روسیه، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان اختلافات اندکی میان خود داشتند (ضمن اینکه اختلافات و نگرانی های موجود نیز در قالب پیمان امنیتی جمعی و جامعه کشورهای مشترک المنافع CIS قابل حل بود) و در مقابل هر چهار کشور اختلافات و نگرانی هایی را در مرزهای خود با چین داشتند. به این ترتیب، چین از طریق پیمان شانگهای بیش از هفت هزار کیلومتر مرز مشترک خود با جمهوری های شوروی سابق را از هرگونه دل مشغولی عمده امنیتی رهایی بخشید. با توجه به اینکه بخش اعظم این مرزها را مرزهای مشترک روسیه و چین تشکیل می داد، در واقع، با حل و فصل اختلافات مرزی از طریق پیمان شانگهای، در مرحله اول چین و در مرتبه بعد روسیه در فرآیند حرکت سازمان به سمت اهداف اولیه خود به اهداف و منافع خود دست پیدا کردند.

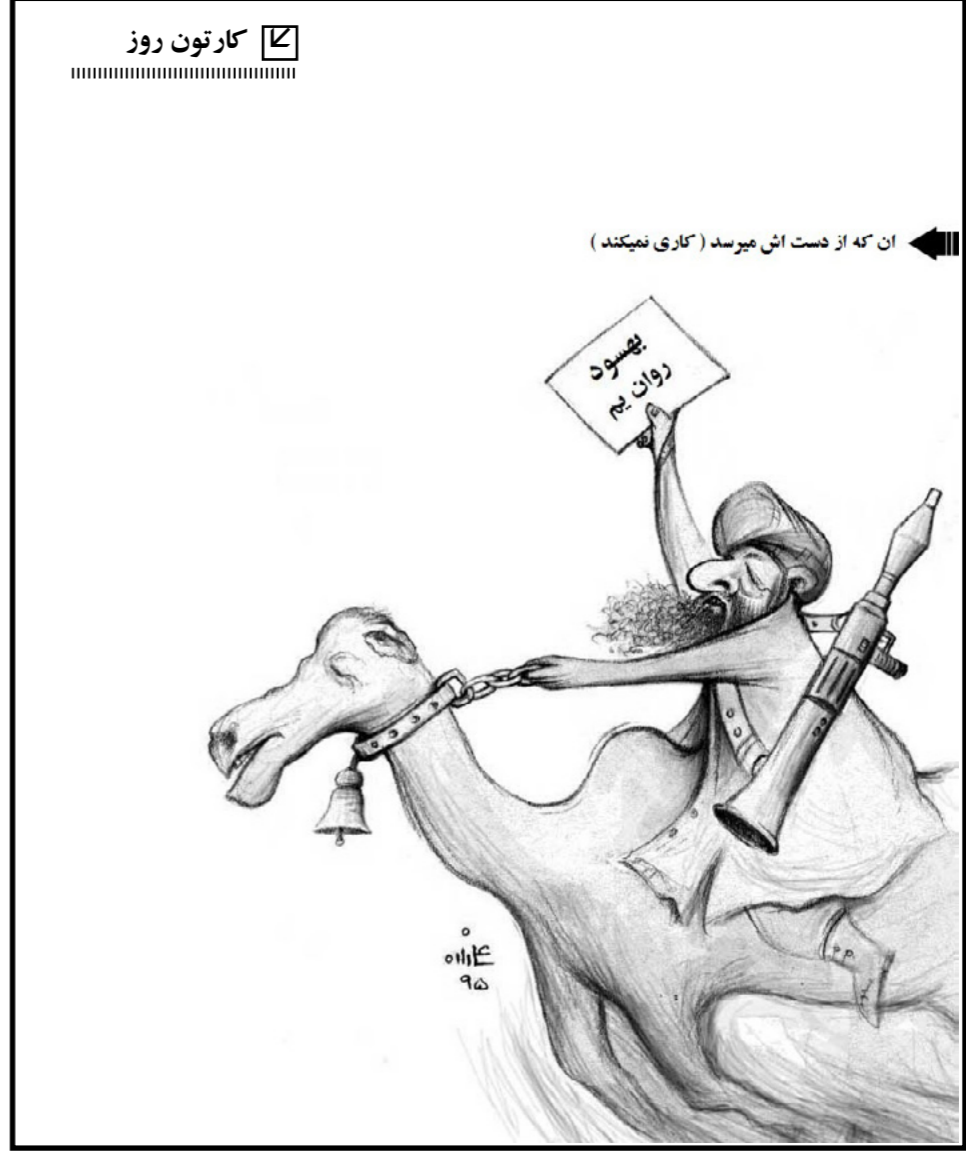
دوم: نگرانی از تشدید افراط گرایی و تروریسم در منطقه آسیای مرکزی: هر شش عضو اصلی سازمان شانگهای در اشکال و اندازه های متفاوت با تهدید افراط گرایی مذهبی و پیامد احتمالی آن یعنی جدایی طلبی و تروریسم مواجه هستند. این مسئله همان طور که گفته شد پس از حادثه بازدم سیتامبر و گسترش نفوذ عناصر القاعده و طالبان در آسیای مرکزی اهمیت فوق العاده ای پیدا کرد و در چندین اجلاس به موضوع اصلی گفتگوهای اعضای سازمان تبدیل

شد، اما نکته حائز اهمیت در این مورد این است که دیدگاه سازمان شانگهای در مورد افراط گرایی و تروریسم با دیدگاه ایالات متحده آمریکا در این مورد دارای تفاوت های اساسی است (و به همین دلیل این نگرانی مشترک موجب اتخاذ راهکارهایی مشترک از سوی سازمان شانگهای شد). اگر چه اعضای سازمان در سطح رویکرد مهم ترین تهدید هژمونی لیبرال دموکراسی تلقی می کند و در سطح عملکرد از طریق ایجاد پیوند میان تروریسم و جریان اسلام گرایی، این موضوع را پهنای برای تحقق اهداف هژمونیک خود قرار داده است. کشورهای عضو سازمان شانگهای به موضوع صرفا از منظر امنیت داخلی نگاه می کنند. سوم: نگرانی از کوشش های یکجانبه گرایانه برای حل و فصل مسائل بین المللی: اگر چه اعضای سازمان شانگهای در اغلب اجلاس های این سازمان تلاش داشته اند که توجه خود را عمدتا بر مسائل منطقه ای متمرکز کنند، اما حضور دو قدرت بزرگ چین و روسیه اجازه نمی دهد که این سازمان در اندازه منطقه ای باقی بماند. به همین دلیل اظهار نظرهای فرامنطقه ای رهبران چین و روسیه در حاشیه اجلاس های سازمان اغلب به حساب موضوع گیری های غیر رسمی سازمان گذاشته می شود. البته این نکته قابل کتمان نیست که سازمان شانگهای خواسته یا ناخواسته به تدریج

کوششی از جانب روسیه و چین برای مقابله با موج گسترش ناتو به شرق بوده است، اما وقوع حادثه بازدم سیتامبر و برجسته شدن تهدید طالبان و القاعده جهت گیری های ضد تروریستی و ضد افراطی گری را در این سازمان تقویت و تشدید کرد. تشکیل یک مرکز ضد تروریستی در تاشکند، پایتخت ازبکستان و تصویب چندین سند برای مقابله با این پدیده نتیجه تشدید نگرانی کشورهای عضو سازمان نسبت به پدیده تروریسم و افراط گرایی بوده است.

با وجود اعلام مواضع رسمی در مقاطع گوناگون، مهمترین ویژگی سازمان همکاری شانگهای از آغاز شکل گیری تاکنون ابهام و عدم شفافیت در اهداف و جهت گیری های دراز مدت و کلان سازمان از نقطه نظر کشورهای تشکیل دهنده آن بوده است. غالبا سازمان های امنیتی بر مبنای تعریف یک تهدید مشترک شکل گرفته و تداوم پیدا می کنند. اگر این موضوع به عنوان یک معیار پذیرفته شود، در این صورت در رابطه با سازمان همکاری شانگهای از سه دسته از نگرانی می توان سخن گفت:

اول: نگرانی کشورهای عضو از تشدید اختلافات مرزی و تحركات نظامی یکدیگر: این موضوع که در واقع علت اولیه شکل گیری سازمان همکاری شانگهای به شمار می رفت با انعقاد مجموعه ای از توافقنامه های دو جانبه و چند جانبه تا حدود زیادی مرتفع شده و به عبارتی هدف اولیه شکل گیری سازمان محقق گردیده است. نکته حائز اهمیت در این



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید.

هیئت تحریر و ویرایش مطالب باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد.

روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است.

www.dailyafghanistan.com
Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سردبیر: حفیظ الله زکی
کاریکاتوربست: خالق علی زاده

دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری
مسئول وب سایت: غلام عباس اصلان

آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

